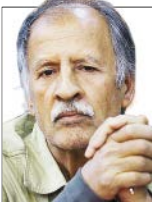


جای خالی اعتماد به نفسی؟!



روز گذشته، با برگزاری بخش تجلی اراده ملی، چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

تمام و کمال دامنه‌اش جم شد و تا سال آینده همه چیز به کما خواهد رفت. قاعدتا این جشنواره با سابقه‌ای نزدیک نیم‌قرن باید همه اجزایش قانونمند و تثبیت شده می‌بود که اگر چنین می‌شد، حالا متولیان سازمان و تشکیلات این رویداد دیگر نباید انرژی‌شان را صرف اختراع مجدد چرخ می‌کردند، بلکه با شسته‌رفته‌بودن همه چیز، وقت و توان خود را مصروف جذب آثار و پیشامدهای خلق‌الساعه جشنواره می‌کردند، مانند اغلب فستیوال‌های شناخته‌شده جهانی که کمتر شنیده یا خوانده‌ایم که مثلا در آستانه کلید خوردن هنوز نمی‌دانند چند اثر و در چه وضعیتی به جدول نمایش راه پیدا خواهند کرد. آنچه در قاموس جشنواره فیلم فجر محلی از اعراب ندارد، همین توازن و تعادل و یکدستی در امور است، خصوصا که چراغ‌خاموش آمدن جشنواره این دوره، یکی از رویکردهای آسیب‌زای آن بود (شاید سال گذشته توجیه داشت)، به‌طوری‌که بیشترین و جدیدترین خبرها را وزیر اعلام می‌کرد. به نظر اعتمادبه‌نفسی که در وزیر و رئیس سازمان سینمایی بود و هست در بقیه برعکس عمل می‌کند. فضیه تا آنجا تحکیم شده که خبرنگاران هم شرطی شده‌اند تا خبرهای جدید جشنواره را باید از وزیر بشنوند. هنوز هیات‌های داورى رئیس ندارند. سختگویی در این بخش وجود ندارد. همه یادمان است که در سال قبل عضو داورى با مصاحبه‌هایش کل جشنواره را روی هوا برد. امسال هم گفت‌وگوهای عضوی دیگر، پروپاگاندایی از ضف‌های موجود جشنواره را منتشر کرد؛ خصوصا نظراتش درباره فیلمی خاص که بعدا پرتنامزدترین فیلم جشنواره شد. این یعنی فقدان هماهنگی در اجزا و اجرا. این جشنواره هنوز اتاق فکرى با مشاوران پرتجربه ندارد تا همه چیز هماهنگ و موثر کاتالیزه شود. هنوز شورای سیاست‌گذاری جشنواره فرمالیته‌است و اعضای آن هیچ نقشی در همیاری آن ندارند. اگر منصافانه به قابلیت‌های جشنواره این دوره ورود کنیم، موارد متعددی وجود دارد که در تاریخ این رویداد کم‌سابقه است اما فقدان اعتمادبه‌نفس در بخش رسانه‌ای و تبلیغی جشنواره، فضا را از پیش شکست‌خورده معرفی می‌کرد. در طول جشنواره اعم برنامه‌ها، بخش‌های خبری/تحلیلی و کلافیلته رسانه‌ای در اختیار منتقدان و مخالفان جشنواره قرار داشت. در میان مستخدمان و پروژه‌بگیران جشنواره آدم معتبر صاحب‌قلم و دارای بیان، با نبود تا یادداشت و مطلبی بنویسد یا بگوید یا اگر بود، حاضر به خرج‌کردن خود نبود.

این وضعیت و واقعیت به‌شدت قابل رصد است؛ چنانچه در فضای مجازی جست‌وجو شود، تعداد کمی تحلیل قابل اتکا از قابلیت‌های مورد‌اعتنای جشنواره به چشم می‌خورد. مثلا در مورد گرایش خانواده و حضور زنان در بطن فیلم‌ها و متن جشنواره، این موضوع جای پرداختن جدی داشت و منهای بحث کیفیت، از منظر کفّی اتفاق مهمی تلقی می‌شود اما یک مورد تحلیل جدی یا برگزاری نشست و میزگرد مهمی در این زمینه تدارک دیده نشده بود یا تبیین و منتشر نشده است و... بالاخره این‌که توجه و دقت در آخرین دوره‌می جشنواره، یعنی «تجلی اراده ملی» به خوبی حکایت از حرام‌کردن دستاوردهای این رویداد دارد. برپریه نیست اگر تاکید کنم که تا دیروز کمتر کسی از اهالی سینما و رسانه از این بخش مهم اطلاع کتّی و کیفی داشت، حالا نودهای مردمی پیشکش. چرا این رخداد جنبی چنین بی‌بها شده است. واقعیت امر بخش تجلی اراده ملی از جمله گرایش‌های راهبردی در زمینه مضمونی و حتی موضوعی است. متأسفانه مسئولان این بخش استراتژیک، تنها بانی کاهش کفّی حاضران و مشارکت‌کنندگان نشده‌اند، بلکه با کم‌توجهی در باب طرح و بسط رسانه‌ای/تبلیغی این بخش عملا و علنا علاقه‌مندان و حامیان جدی آن در سال‌های بعد را دچار بی‌انگیزگی کرده و چه بسا کلید تعطیلی آن را فشار داده باشند که چنین مباد.

«شب، داخلی، دیوار» درخواست پروانه نمایش نداشته است

دبیر ستاد صیانت از آثار و محصولات سینمایی درخصوص حواشی انتشار غیرمجاز فیلم «شب، داخلی، دیوار» توضیحاتی ارائه داد. اداره‌کل روابط عمومی سازمان سینمایی دیروز در خبری اعلام کرد: جعفر انصاری‌فر دبیر ستاد صیانت از آثار و محصولات سینمایی، درباره حواشی انتشار غیرمجاز فیلم «شب، داخلی، دیوار» گفت: پس از بررسی موضوع انتشار غیرمجاز این فیلم، مشخص شد اثر مذکور همچون برخی فیلم‌های قبلی که پیش از گرفتن مجوز نمایش، در جشنواره‌ها یا شبکه‌ها

سراب آرزوهای دیزنی

چگونه آثار ضدفرهنگی یک کمپانی حامی صهیونیسم بلافاصله ترجمه و در پلتفرم‌های داخلی عرضه می‌شود؟



قدیمی پیشینیان ماست که دلیل وقوع رخداد‌های دنیا را نمی‌دانستند و برای توجیه آن به جادو باور پیدا کرده بودند.

فانتزی یا واقعیت

البته که مسأله جادو صرفا افسانه و دروغ نیست و انسان در طول تاریخ با آن برخورد ملموس داشته است. مواجهه بشر با این مقوله ماورایی هم در کتب تاریخی ذکر شده است. سؤال مهم این است که در ادبیات و سینمای امروز نیروی مقابل این شر را چگونه نشان می‌دهند. از منظر ادیان توحیدی، استفاده از جادوی سیاه و شیطانی در زمانه پیامبران مختلف هم مطرح بوده که اوج آن در زمان سلیمان نبی ثبت شده است. مسؤاره افسردی بوده‌اند که در تقابل بین خیر و شر در جبهه شیطان بوده‌اند و خدمت او را کرده‌اند تا بتوانند از جادو و قدرت آن برای مقاصد کثیف خود استفاده کنند.

از آن سوی پیامبران و اولیای الهی با اتکا به قدرت الهی و اذن او این نیروی منفی را خنثی یا قفل کرده‌اند. آیا ما هیچ‌وقت در فیلم‌ها و انیمیشن‌هایی با محتوای جادو و به خصوص جادوی سیاه و شیطانی این نیروی الهی را دیده‌ایم؟

اگر بخواهیم به طور اختصاصی انیمیشن‌های دیزنی را بررسی کنیم، می‌بینیم در داستان‌های قدیمی‌تر نیروی مقابل طلسم جادوگر بدجنس، معمولا نیروی عشق بوده؛ مثل سفیدبرفی یا زیبای خفته. در داستان‌های متأخر به جای نیروی عاطفی عشق، ایمان و باور به نفس جایگزین شده است.

اگر زمانی شخصیت دختر منتظر می‌نشست تا عاشق او را نجات دهد، حال شخصیت اصلی که در بیشتر موارد دختر است، دست روی زانوئ خود می‌گذارد و در مسیر سفر قهرمان خود به رشد و درنگ‌هایش از ابتدای داستان می‌رسد. این رشد

و شناخت کمکش می‌کند نیروی شر را به زمین بزند و بتواند سرزمین یا قبیله‌اش را نجات دهد، تغییری در سبک زندگی مردمش ایجاد کند یا خود را به اطرافیان ثابت نماید. در این به‌گذر ما همچنان نشانی از نیروی الهی نمی‌بینیم. همه جزئیات و عوامل باری رسان به شخصیت، طوری چیده شده که حتی اگر ماورایی‌ها هم باشد باز خاستگاهی وابسته به مادیات داشته باشند. مثلا روز پدر درگذشته شخصیت یا موجودی افسانه‌ای برخاسته از افسانه‌های محلی در برابرش ظهور می‌کند و به او انگیزه و خودباوری لازم را برای ایجاد تغییر و شکستن جادو می‌دهد!

دنبال داشت. این نوع بازنمایی غیرسفیدپوست‌ها در انیمیشن‌ها در ظاهر نشانه پذیرش اقلیت‌ها در جوامع غربی با تلاش برای ترویج آنهاست اما هالیوود و از جمله دیزنی آن قدر در این کار زیاده‌روی کرده‌اند که به‌نوعی دیگر باعث ایراد و انتقادهای گسترده شده است.

دنای عجیب دیزنی

مرحله بعد تغییرات، کمک به ترویج مقوله همجنس‌بازی و لگبت در آثاری بود که مخاطب اصلی‌اش کودکان و نوجوانان سراسر دنیا هستند. این حرکت جدید نیست و از اوایل قرن ۲۱ نمونه‌هایی از شخصیت‌های لگبت در کارهای دیزنی و شرکت وابسته‌اش پیکسار حضور داشتند. یکی از موارد جنجالی این حوزه دو زن همجنس‌باز در انیمیشن داستان اسباب‌بازی ۲ بود که در پس زمینه خروج شخصیت اصلی از مهدکودک دیده می‌شدند.

این صحنه چند ثانیه‌ای باعث اعتراض بسیاری از والدین آمریکایی شد و خواهان حذف آن بودند. انیمیشن بازلاتیپر به صورتی عیان‌تر صحنه بوسه یک زوج همجنس‌باز خانم را نشان داد. سال ۲۰۲۱ انیمیشن رایا و آخرین اژدها و همچنین لوکا نیز دو شخصیت همجنس‌باز دارد که به صورت ضمنی و استعاری مطرح شده است اما آخرین دستاورد دیزنی در این مورد، انیمیشن دنیای عجیب است که شخصیت اصلی آن پسر ی همجنس‌باز است.

پسری که گرایش خود را علنی کرده و خانواده‌اش هم از او حمایت می‌کنند. همه این انیمیشن‌ها با سانسورها حتی بدون حذفیات تصویری و کلامی به فارسی دوبله شده است.

طلسم دیزنی

تا اینجا دیزنی نشان داده که کاملا در خدمت سیاست‌های ضد خانواده بوده و به اسم همراهی با تغییرات اجتماعی و جنبش‌های روز، یکی از طلایه‌داران ترویج سبک زندگی غیرتوحیدی و خلاف فطرت انسانی است. اما بعد این مقدمه برگردیم به داستان‌های قدیمی و زیربنای تشکیل دیزنی: قصه‌های پریان. قصه‌های پریان فرمولی ساده دارد: شاهدختی که اسیر چنگال یک جادوگر است و شاهزاده‌ای که به خاطر عشق به دختر حاضر است خطر کند و او را نجات دهد.

در پایان این رویارویی جادوگر می‌میرد، طلسم‌هایش خنثی می‌شود، دو عاشق به هم می‌رسند و تا آخر عمر به خوبی و خوشی با هم زندگی می‌کنند. عنصر جادو از اصلی‌ترین بن‌مایه‌های انیمیشن‌های معروف و محبوب دیزنی است.

عمده این داستان‌ها بر اساس قصه‌های عامیانه و افسانه‌های

و پلتفرم‌های خارجی به اکران درآمده‌اند، متأسفانه مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. وی با اشاره به ضرورت مراقبت صاحبان آثار از نسخه فیلم و دریافت تضامین و مستندات محکم و دقیق از جشنواره‌ها یا شبکه‌های خارجی افزود: سال گذشته با تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «شب، داخلی، دیوار» جلسه گذاشته‌شده و شرایط قانونی عرضه فیلم پس از تولید به اطلاع‌شان رسیده است اما ایشان فیلم را برای اخذ پروانه نمایش ارائه نکرده و تقاضایی برای اکران نداشته است.

انصاری‌فر ادامه داد: تا جایی که بنده اطلاع دارم، فیلم را به پخش‌کننده خارجی فروخته‌اند و طبیعی است که وقتی جوانب مراقبت و نگهداری کامل از فیلم رعایت نشود، احتمال انتشار غیرمجاز فیلم بالا می‌رود. وی درخصوص ادعای تهیه‌کننده و کارگردان فیلم درباره سانسور آن عنوان کرد: طبق اطلاع بنده، این فیلم درخواستی برای دریافت پروانه نمایش ارائه نداده که مورد ممیزی یا سانسور قرار گیرد. لذا انتظار می‌رود دوستان در اظهارنظرهای خود جانب انصاف و صداقت را رعایت کنند.

سال به سال، دریغ از پارسال

دیزنی که مدتی از این سبک قصه‌ها دور شده بود، در صدمین سالگرد تأسیس، با قصه جدیدی درباره جادو و شکستن طلسم دوباره به اصل خود رجوع کرد و بعد از سال‌ها انیمیشنی ساخت که با روزی روزگاری پادشاهی بود... شروع می‌شود. اما این بار خبری از شاهدخت منفعل نیست. قهرمان داستان، آشا، دختری است از تنباز آفریقایی-اسیانیایی و خانواده‌ای معمولی. او به شدت به آرمان‌های پادشاه و شورش وفادار است. شهری که پادشاه مگنیفیکو تأسیس کرده تا آرزوهای انسان‌ها را برآورده کند. هر کسی وارد این شهر می‌شود در جست‌وجوی تحقق آرزوهایش است و در بدو ورود آرزویش را تقدیم مگنیفیکو می‌کند تا او با کمک نیروی جادو که فراگرفته‌آن را روزی برآورده کند. نیروی جادوی این داستان به خودی خود بد نیست. اما مگنیفیکو به انکای جادوی خود به‌مرور تبدیل به فردی خودکامه و زورگو شده است و از جادو به صلاحدید خود استفاده می‌کند. اوضاع شهر از روزی به هم می‌ریزد که آشا متوجه این ویژگی دیکتاتورمه‌رمانه پادشاه می‌شود. گرچه در ابتدا اقدام خاصی انجام نمی‌دهد اما وقتی زیر آسمان شب با دل گرفته آرزو می‌کند بتواند آرزوهای مردم را آزاد کند، ستاره‌ای فرو می‌افتد و با نیروی جادویی خود به او کمک می‌کند تا با پادشاه روبه‌رو شود. پادشاه شورش آشا را تحمل نمی‌کند و سراغ کتاب جادوی سیاه می‌رود؛ جادویی که در گنجه‌ای با طلسم مهر و موم شده و فقط خودش به آن دسترسی دارد. او برای خود این حق را قائل است که برای حفظ قدرتش حتی از این کتاب مخوف استفاده کند تا مردم معترض را به بند بکشد. اما مقاومت و اتحاد مردم در برابر او، حتی جادوی سیاه را هم شکست می‌دهد. پس از شکست پادشاه و آزاد شدن آرزوها، مردم به این نتیجه می‌رسند که برای تحقق آرزوهای‌شان باید تلاش کنند، نه آن که بنشینند و دست روی دست بگذارند تا دیگری برای‌شان تصمیم بگیرد.

آرزویی که محقق نشد

این خلاصه داستان سرشار از انواع و اقسام پیام‌های غیراخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی کوچک‌ترین قربانی با هدف اولیه والت دیزنی ندارد. داستانی به شدت سطحی، کلیشه‌ای و پر از شعار که مملو از استعاره‌های مختلف است. اصرار سازندگان آن به استفاده از صد المان از انیمیشن‌های قبلی دیزنی لمغعه‌ای توخالی را در معرض دید بینندگان و منتقدان گذاشته است. این بار نه دیگر با کارتون‌های پریان قدیمی دلربا سروکار داریم که حداقل برای مدتی در رویایی خوش و افسانه‌ای فرو برویم و نه با داستان‌های جنجالی و تاثیرگذار قهرمان‌های خودساخته که باعث ایجاد انگیزه می‌شوند. ما برای چندمین بار در سال‌های اخیر با یک دیزنی روبه‌رو هستیم که به قیمت شکست در گیشه و امتیاز پایین منتقدان، دنبال اشاعه و عادی‌سازی جنبش‌های روز غرب‌زب است. اصرار عوامل و استودیوهای مختلف دیزنی بر ترویج نگاهی سطحی و بی‌حاصل نسبت به اقلیت‌های نژادی (فیلم بری دریایی کوچک) یا اشاعه گرایش‌های منحن جنسی (انیمیشن دنیای عجیب) باعث شده چند کار آفرش ضرر مادی و تخریب برندش را به دنبال داشته باشد. حال‌ادر انیمیشن آرزو داستانی را می‌بینیم که ترکیبی از همه داستان‌های تکراری است و شعارهایش به شدت توی ذوق می‌زند. می‌خواهد به بیننده القا کند دست از آرزوهایش نکشد و آزاد باشد.

آن هم در شرایطی که دنیا چندماه به‌طور زنده شاهد یک نسل‌کشی ترسناک و وقیحانه بوده است. این دیزنی طرفدار آزادی و آزادی، در جنگ برابر اسرائیل و غزه علنا به نفع اسرائیل موضع‌گیری می‌کند و حتی نگرانی و ترسی از بایکوت جدی مردم کشور خود و سایر کشورها ندارد.

این سؤال در نهایت باقی می‌ماند که مگر ارزش آرمان‌های صهیونیسم برای کمپانی‌ها و سیاستمدان آمریکایی چقدر بالاست که به قیمت نابودی برند خود حاضرند تحت هر شرایطی حامی آن باشند. در این شرایط واکنش ما به این اتحاد آنها در باطل خودشان چیست؟ آیا ما برای حق و حقیقت دست در دست هم می‌دهیم یا فقط مصرف‌کننده منفعل القانات آنها هستیم؟



دیزنی نشان داده که کاملا در خدمت سیاست‌های ضد خانواده بوده و به اسم همراهی با تغییرات اجتماعی یکی از طلایه‌داران ترویج سبک زندگی غیرتوحیدی است

افتتاحیه «دروغ‌های زیبا» در بنگلادش



مرتضی آتش‌ززمز فیلم «دروغ‌های زیبا» را ابتدا در بنگلادش و سپس با یک نسخه دوبله شده در ایران اکران می‌کند. این کارگردان و تهیه‌کننده که فیلم «دروغ‌های زیبا» را به عنوان تولید مشترک با بنگلادش در جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر رونمایی کرد، گفت: باتوجه به حضور ستاره‌های سینمای بنگلادش در این فیلم، برنامه‌ریزی ما برای اکران ابتدا در کشور بنگلادش است و پایکی از بهترین کمپانی‌های پخش هم قرارداد امضا شده است. در حال حاضر بهترین زمان برای اکران فیلم در کشور بنگلادش عید فطر (اواخر فروردین ۱۴۰۳) است. او ادامه داد: برای اکران در ایران، خسرو خورشاهی فیلم را دوبله کرده و هرزمان تصمیم به اکران داشتیم، این نسخه در کشور خودمان به نمایش درمی‌آید. البته من باتوجه به شرایط فعلی سینماها، به اکران منصافانه در ایران خیلی امید ندارم؛ چون همان‌طور که در نشست خبری فیلم در جشنواره فجر هم گفتیم، برای یک فیلمساز مستقل، ساخت و بعد پخش و اکران فیلم بسیار سخت شده است. // ایسنا

برده نقره‌ای

نوسازی سینما «آزادی» به کجا رسید؟



پروژه نوسازی و تبدیل پردیس سینما آزادی به مجموعه فرهنگی چندمنظوره با ۱۰ سالن نمایش سینمایی ادامه دارد. محمد مهدی دادمان رئیس حوزه هنری، حمیدرضا جعفریان رئیس سازمان سینمایی سوره، هادی اسماعیلی مدیرعامل موسسه بهمن سبز و محمد مهدی روحی عضو هیات‌مدیره بهمن سبز از پروژه نوسازی پردیس سینمایی آزادی تهران بازدید کردند. در این بازدید که به حضور مدیران ارشد و معاونان موسسه بهمن سبز برگزار شد، مدیران حوزه هنری با ابراز رضایت از روند پیشرفت پروژه بر لزوم راه‌اندازی سالن‌های سینمایی جدید این مجموعه تا پایان سال تاکید کردند. پروژه توسعه و تبدیل پردیس سینما آزادی به مجموعه فرهنگی چندمنظوره که شامل ساخت سالن‌های سینمایی جدید، سالن سینمایی کودک، شهرسازی کودکان و فروشگاه کتاب و محصولات فرهنگی است از ابتدای دی‌ماه امسال آغاز شده است. در این طرح پنج سالن سینمایی با ظرفیت بیش از ۳۲۰ صندلی به مجموعه سینمایی آزادی اضافه خواهد شد. سازمان سینمایی سوره حوزه هنری طی چهار سال گذشته به نوسازی و توسعه سینماهای خود در فواز مختلف پرداخته است؛ در فاز نخست ۶۵ سالن سینمای تازه‌تأسیس و بازسازی شده به چرخه‌اکران سینمای ایران افزوده شد. // جام جم

قاب

«شهربانو» بهترین فیلم جشنواره کانادا

به گزارش مشاور رسانه‌ای؛ فیلم سینمایی «شهربانو» دومین ساخته مریم بحرالعلومی که تاکنون مورد تحسین و توجه جشنواره‌ها در سراسر دنیا بوده است، در تازه‌ترین رقابت جهانی خود، موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم سینمایی از چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم سینمایی (International Hecare Film Festival (HECFF) در تورنتو شد. این جشنواره با تمرکز بر مسائل انسانی، زیستی و مضامین حقوق بشر، یازدهم فوریه سال جاری در منطقه ریچموند هیل به کار خود پایان داد و «شهربانو» که به همراه فیلم‌هایی از کشورهای پرو، آلمان و بلاروس نامزد بهترین فیلم سینمایی شده بود، این جایزه را دریافت کرد.

